

# معراج

## حضرت رسول اکرم (ص)

از دیدگاه قرآن

مقاله در یک نگاه

### مقاله در یک نگاه:

یکی از حوادث زندگانی رسول گرامی اسلام (ص) مسأله معراج می‌باشد. سفر شبانه و عروج آسمانی به جهت نشان دادن بخشی از آیات عظمت الهی، به پیامبر (ص) انجام گرفته و با توجه به شایستگی‌های ایشان در ابعاد مختلف برای این سفر، از سوی حق تعالی، از مکه معظمه به مسجدالاقصی و از آنجا به آسمان‌ها، انتخاب شدند.

حضرت رسول اکرم (ص) در جریان ابلاغ رسالت در مکه شکنجه‌های جسمی و روانی و سختی‌های زیادی را متحمل شدند، از جمله در سال هفتم بعثت سران قریش با یکدیگر پیمان محاصره اقتصادی علیه بنی‌هاشم را

امضاء کردند و اهداف آنها چیزی جز جلوگیری از گسترش اسلام و افزایش تعداد مسلمانان نبود و در حقیقت برای نابودی اسلام چنین برنامه‌ای را تدارک دیدند و به مدت سه سال رسول الله (ص) و مسلمانان در شعب ابوطالب بسر بردند و انواع و اقسام رنج‌ها را برای حفظ دین اسلام و وجود رسول خدا (ص) به جان خریدند. پس از خروج از شعب ابوطالب که با امدادهای الهی صورت گرفت، پیامبر (ص) دو یار باوفای خود را از دست دادند، حضرت ابوطالب و خدیجه دو پشتیبان نیرومند و با وقایی برای پیشرفت اسلام بودند. مرگ این عزیزان، به شدت پیامبر (ص) را غمگین کرد و قریش را در آسیب رساندن به ایشان بی‌باک ساخته،

صدماتی را که تا آن روز به آن حضرت نژده بودند، وارد ساختند، تا جایی که خاک بر سر او می‌ریختند.

پس از پایان یافتن ماجرای شعب ابوطالب، رسول الله (ص) برای یافتن پایگاهی عازم شهر طائف شدند و هدفشان دعوت قبیله ثقیف به اسلام بود، آنان نه تنها دعوت ایشان را نپذیرفتند، بلکه اراذل و اوباش را وادار کردند تا با دشمنانم دادن، پیامبر (ص) را سنگباران کنند و در نهایت ایشان را مجروح ساختند.

پس از این همه سختی‌ها در راه پیشبرد اهداف عالی اسلام، خداوند برای نشان دادن بخشی از آیات و عظمت دستگاه خلقت و رموز هستی، هدیه‌ای بزرگ به رسول گرامی اسلام (ص) داد و خدای متعال برای تسکین و آرامش آن حضرت، وی را به معراج برد. با توجه به اینکه حضرت رسول اکرم (ص) به مرحله بندگی و عبودیت کامل رسیده بودند، این سفر زمینی و عروج آسمانی زمینه را برای اطمینان کامل ایشان به قدرت عظیم الهی فراهم کرد.

### معنای معراج

معراج یعنی نردبان، پلکان، آنچه به وسیله آن بالا روند.<sup>(۱)</sup> یا به عبارتی بهتر، معراج یعنی سر به فلک کشیدن و از خاک سوی افلاک شدن است.

### تاریخ معراج و مدت زمان آن

برخی اسراء و معراج را ده سال بعد از بعثت<sup>(۲)</sup> و بعضی دوازده سال بعد از بعثت دانسته‌اند.<sup>(۳)</sup> رسول الله (ص) از خداوند مسألت کرد که بهشت و دوزخ را به او ارائه فرماید، چون شب شنبه هفدهم رمضان، هیجده ماه قبل از هجرت فرا رسید، در حالی که حضرت رسول اکرم (ص) در خانه خود خفته بودند، جبرئیل و میکائیل پیش او آمدند و گفتند برای دیدار آنچه از خداوند مسألت کرده بودی حرکت کن.<sup>(۴)</sup> آنگاه پیامبر (ص) سوار براق شدند و به سوی بیت المقدس حرکت کردند و در چند نقطه نماز گزاردند، در مدینه، مسجد کوفه، طور سینا و بیت اللحم، سپس وارد مسجدالاقصی شدند و از آنجا به آسمان‌ها رفتند. در اینجا قسمت اول سفر پیامبر (ص) یعنی مسافرت زمینی خانمه یافت و قسمت دوم یا مسافرت آسمانی از مسجدالاقصی واقع در بیت المقدس شروع شد.

مدت زمان این واقعه بیش از یک شب نبود و رسول الله (ص) صبح همان شب به خانه ام هانی دختر ابی طالب برگشتند. مورخین معتقدند حضرت رسول اکرم (ص) آن شب در خانه ام هانی بودند. پس به این نتیجه می‌رسیم که آن حضرت نماز عشاء و نماز صبح را در مکه خواندند.

**کیفیت و چگونگی معراج حضرت رسول اکرم (ص):**

«سبحان الذی اسرى بعبدہ لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله لنزیه من آیاتنا انه هو السميع البصیر.»

پاک و منزّه است خدایی که بنده اش را در یک شب از مسجد الحرام به مسجد الاقصی که گرداگردش را پربرکت ساختیم، برد، تا آیات خود را به او نشان دهیم، او شنوا و بیناست.

پیش از اینکه به مسافرت آسمانی حضرت رسول اکرم (ص) و مشاهدات ایشان که از مسجد الاقصی شروع شد، بپردازیم، به ذکر مشخصات این سفر شبانه اعجاز آمیز با استناد به آیه اول از سوره اسراء می پردازیم، آنگاه مشاهدات پیامبر (ص) در لیلہ المعراج و در کهکشانها را عنوان می کنیم.

### مشخصات این سفر اعجاز آمیز<sup>(۵)</sup>

۱- کلمه «اسراء» نشان می دهد که این سفر شب هنگام واقع شد، زیرا «اسراء» در لغت عرب به معنی سفر شبانه است، در حالی که کلمه «سیر» به مسافرت در روز گفته می شود.

۲- کلمه لیلاً مفعول فیه است و بودنش در کلام، این معنا را افاده می کند که این سیر همه اش در شب انجام گرفت؛ هم رفتنش و هم برگشتنش.<sup>(۶)</sup> این سفر به طور کامل در یک شب واقع شد.

۳- کلمه «عبد» نشان می دهد که این افتخار و اکرام به خاطر مقام عبودیت و بندگی رسول الله (ص) بود، چرا که بالاترین مقام برای انسان است که بنده راستین خدا باشد.

۴- همچنین تعبیر به «عبد» نشان می دهد که این سفر در بیداری واقع شده و این سیر جسمانی بوده است نه روحانی، زیرا سیر روحانی معنی معقولی جز مسأله خواب یا حالتی شبیه به خواب ندارد، ولی کلمه عبد نشان می دهد که جسم و جان پیامبر (ص) در این سفر شرکت داشته، منتها کسانی که نتوانستند این اعجاز را درست درک کنند، احتمال روحانی بودن را به عنوان توجیهی برای آیه ذکر کرده اند، در حالی که می دانیم اگر کسی به دیگری بگوید من فلان شخص را به فلان نقطه بردم مفهومی این نیست که در عالم خواب یا خیال بوده یا تفکر اندیشه او به چنین سیری پرداخته است.

۵- مراد از «مسجد الاقصی» به قرینه جمله «الذی بارکنا حوله» بیت المقدس است و کلمه «اقصی» از ماده «قصو» و این ماده به معنای دوری است، و اگر مسجد بیت المقدس را مسجد الاقصی نامیده، بدین جهت است که این مسجد نسبت به محل زندگی رسول خدا (ص) و مخاطبینی که با او هستند از مسجد الحرام خیلی دور است، زیرا محل زندگی ایشان شهر مکه است که مسجد الحرام در همان جا است.<sup>(۷)</sup>

۶- هدف از این سیر، مشاهده آیات عظمت الهی بوده، همانگونه که دنباله این سیر در آسمانها نیز به همین منظور انجام گرفته است تا روح پر عظمت پیامبر (ص) در پرتو مشاهده آیات و بینات، عظمت بیشتری یابد، و آمادگی فزونتری برای هدایت انسانها پیدا

۱۰- کلمه «من» در «من آیاتنا» نشان می‌دهد که آیات عظمت خداوند، آنقدر زیاد است که رسول الله (ص) در این سفر پر عظمت تنها گوشه‌ای از آن را مشاهده کرده است.

### نگاهی کوتاه به مشاهدات پیامبر عجلایه (ص) در آسمانها

از جمله ضروریات دین مقدس اسلام، معراج جسمانی حضرت ختمی مرتبت است که مطابق نص صریح قرآن مجید می‌باشد و در نخستین آیه از سوره اسراء و در سوره نجم به این مهم اشاره شده است و مورد اتفاق همه فرقه‌های اسلامی است.

طبق برخی از روایات معتبر، پیامبر (ص) در اثناء راه به اتفاق جبرئیل در سرزمین مدینه نزول کرد و در آنجا نماز گذارد و نیز در مسجدالاقصی با حضور ارواح انبیای بزرگ مانند ابراهیم و موسی و عیسی نماز گذارد و امام جماعت پیامبر (ص) بود، سپس از آنجا سفر آسمانی رسول الله (ص) شروع شد و آسمان‌های هفتگانه را یکی پس از دیگری پیمود، در هر آسمان با صحنه‌های تازه‌ای روبرو شد، با پیامبران و فرشتگان و در برخی از آسمان‌ها با دوزخ یا دوزخیان و در بعضی با بهشت و بهشتیان برخورد کرد، و پیامبر از هر یک از آنها خاطره‌های پرارزش و بسیار آموزنده در روح پاک خود ذخیره فرمود و عجائبی مشاهده کرد که هر کدام رمزی و سری از اسرار عالم هستی بود. و پس از

کند، نه آنگونه که کوتاه فکران می‌پندارند که رسول الله (ص) به معراج رفت تا خدا را ببیند! به گمان اینکه خدا محلی در آسمان‌ها دارد!! به هر حال رسول الله (ص) گرچه عظمت خدا را شناخته بود، و از عظمت آفرینش او نیز آگاه بود، «ولی شنیدن کی بود مانند دیدن»، در آیات سوره نجم که به دنباله این سفر، یعنی معراج در آسمانها اشاره می‌کند نیز می‌خوانیم «لقد رای من آیات ربه الکبری» او در این سفر آیات بزرگ پروردگارش را مشاهده کرد.

۷- جمله «بارکنا حوله» بیانگر این مطلب است که مسجدالاقصی علاوه بر اینکه خود سرزمینی مقدس است، اطراف آن نیز سرزمین مبارک و پربرکتی است و این ممکن است اشاره به برکات ظاهری آن بوده باشد، چرا که می‌دانیم در منطقه‌ای سرسبز و خرم و مملو از درختان مقدس در طول تاریخ کانون پیامبران بزرگ خدا، و خاستگاه نور توحید و خداپرستی بوده است.

۸- جمله «انه هوالسمیع البصیر» همان گونه که گفتیم اشاره به این است که بخشش این موهبت به پیامبر (ص) بی حساب نبوده، بلکه به خاطر شایستگی‌هایی بوده که بر اثر گفتار و گردارش پیدا شد و خداوند از آن به خوبی آگاه است.

۹- ضمناً کلمه «سبحان» دلیلی است بر اینکه این برنامه پیامبر (ص) خود نشانه‌ای بر پاک و منزّه بودن خداوند از هر عیب و نقص است.

بازگشت اینها را با صراحت، ولی با زبان کنایه و مثال، برای آگاهی امت در فرصت‌های مناسب شرح می‌داد، و برای تعلیم و تربیت از آن استفاده فراوان می‌نمود. این امر نشان می‌دهد که یکی از اهداف مهم این سفر آسمانی استفاده از نتایج عرفانی و تربیتی این مشاهدات گران بها بود، و تعبیر پرمعنی قرآن «لقد رای من آیات ربه الکبری» در آیات مورد بحث، می‌تواند اشاره اجمالی و سربسته‌ای به همه امور باشد.

ذکر این نکته مهم است که بهشت و دوزخی را که پیامبر (ص) در سفر معراج مشاهده کرد، و کسانی را که در آن منتغم یا معذب دید، بهشت و دوزخ قیامت نبود، بلکه بهشت و دوزخ برزخی بود، زیرا طبق آیات قرآن، بهشت و دوزخ رستاخیز بعد از قیامت و فراغت از حساب، نصیب نیکوکاران و بدکاران می‌شود.

سرانجام به هفتمین آسمان رسید، و در آنجا حجاب‌هایی از نور مشاهده کرد، همانجا که «سدرة المنتهی» و «جنة المأوی» قرار داشت و پیامبر (ص) در آن جهان سراسر نور و روشنایی به اوج شهود باطنی و قرب الی الله و مقام «قاب قوسین اوادنی» رسید، و خداوند در این سفر او را مخاطب ساخته، و دستورات بسیار مهم و سخنان فراوانی به او فرمود و برخی احادیث قدسی<sup>(۸)</sup> در این سفر بر آن حضرت وارد شده است.<sup>(۹)</sup> همچنین نمازهای پنجگانه بر پیامبر (ص) واجب شد و جبرئیل

آمد و همراه پیامبر نمازهای پنجگانه را انجام داد.<sup>(۱۰)</sup> و رهبری و ولایت علی (ع) مطرح شد. از امور دیگری که پیامبر اکرم (ص) در بهشت مشاهده کرد، نور دخترش حبیبه خدا فاطمه زهرا (س) بود. نور زهرا در هر عالمی به نوعی ظهور داشته است. در ليله المعراج در بهشت برای رسول الله (ص) در ساق عرش طلوع کرد وقتی نظر فرمود، نور ائمه را دید، اولی نور علی (ع) بعد فاطمه تا برسد به حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه و در روایت است که فرمود مهدی (عج) را که وصی دوازدهم من است، دیدم مثل کوکب درّی است، و لذا برخی از بزرگان این حدیث را شاهد گرفته‌اند که حجه بن الحسن عجل الله تعالی فرجه پس از اصحاب کساء از همه اهل بیت افضل است.<sup>(۱۱)</sup>

### پیام‌ها و درس‌های معراج

- ۱- معراج، لغو نیست بلکه اسراری قابل توجه دارد (سبحان الذی اسری....).
- ۲- معراج، اردوی خصوصی و بازدید علمی پیامبر (ص) بود و گرنه خداوند بی‌مکان است (سبحان الذی اسری....).
- ۳- عبودیت، مقدمه پرواز است و عروج، بی‌خروج از صفات رذیله ممکن نیست (اسری بعبد).
- ۴- انسان اگر هم به معراج برود، باز «عبد» است، پس در باره‌ی اولیای خدا غلّو نکنیم (اسری بعبد).
- ۵- عبودیت، از افتخارات پیامبر (ص) و زمینه دریافت‌های الهی اوست (بعبد).

## و اشدن قریش بر مقدس معراج حضرت رسول اکرم (ص)

در پیش گفته شد که وجود مقدس پیامبر (ص) هنگام مراجعت از معراج در بیت المقدس فرود آمدند و راه مکه و وطن را پیش گرفتند، و در بین راه به کاروان تجارتی قریش برخوردند، در حالی که آنان شتری را گم کرده بودند و به دنبال آن می گشتند. رسول الله (ص) از مرکب فضایی خود در خانه «ام هانی» پیش از طلوع فجر پائین آمدند و برای اولین بار راز خود را به او گفتند. (۱۳) ام هانی از ایشان خواست این ماجرا را برای کسی تعریف نکنند، زیرا ممکن است آزاری به پیامبر (ص) برسانند و ایشان را تکذیب نمایند. اما حضرت رسول اکرم (ص) که تمام اعمال و افعالشان در جهت رضای خدا و عمل به دستور حق تعالی بود، فرموده باشند به خدا سوگند برای آنها خواهیم گفت و چون این خبر را به آنان دادند، تعجب کردند و گفتند هرگز چنین چیزی ننشیده ایم.

قریش به عادت دیرینه خود به تکذیب ایشان برخاستند و گفتند اکنون در مکه کسانی هستند که بیت المقدس را دیده اند، اگر راست می گوئی، کیفیت ساختمان آنجا را تشریح کن. ابوجهل گفت: بپرسید بیت المقدس چند استوانه داشت و چند قنديل دارد؟ پس جبرئیل صورت بیت المقدس را در برابر آن حضرت بازداشت که آنچه پرسیدند جواب فرمود. (۱۴)

۶- برای قرب به خدا، شب بهترین وقت است (اسرای..... لیلاً).

۷- شب معراج، شب بسیار مهمی بوده است (لیلاً).

۸- اگر استعداد و شایستگی باشد، پرواز یک شبه انجام می گیرد (اسری بعبد و لیلاً).

۹- مسجد بهترین سکوی پرواز معنوی مؤمن است (من المسجد).

۱۰- مسجد باید محور کارهای ما باشد (من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی).

۱۱- حرکت های مقدس، باید از راهها و جایگاه های مقدس باشد (اسری..... من المسجد).

۱۲- سرسبزی و برکات، باید بر محور مسجد و پیرامون آن باشد (المسجد..... بارکنا حوله).

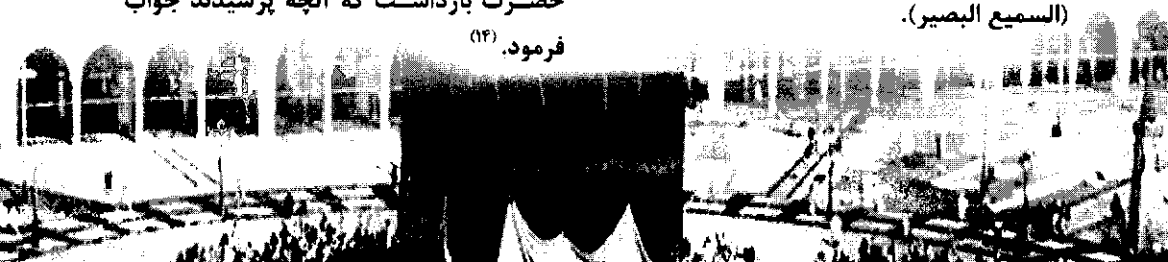
۱۳- بیت المقدس و حوالی آن، محل نزول برکات آسمانی، مقر پیامبران و فرودگاه فرشتگان در تاریخ بوده است (بارکنا حوله).

۱۴- ظرفیت علمی انسان، از دانستنی های زمین بیشتر و شگفتی های آسمان نیز از زمین بیشتر است (اسری... لئریه من آیاتنا).

۱۵- هدف معراج، کسب معرفت و رشد معنوی بود (لئریه من آیاتنا).

۱۶- آیات الهی آن قدر بی انتهاست که رسول خدا (ص) نیز توان دستیابی به همه آنها را ندارند (من آیاتنا).

۱۷- خداوند به مخالفان هشدار می دهد که آنان را می بیند و سخنانشان را می شنود (۱۳) (السمیع البصیر).



عزیزان خواننده! قسمت اول این  
موضوع به پایان رسید، ان شاء الله در  
شماره آینده بقیه موضوع مورد بررسی  
قرار خواهد گرفت، ضمناً مسأله  
«معراج و قوانین علمی روز»، بررسی  
می‌شود.

### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- حسن عمید فرهنگ فارسی عمید، ص ۱۱۳۸.
- ۲- ابن کثیر، السیره النبویه، ج ۲، ص ۹۳.
- ۳- محمد بن سعد کاتب واقدی، طبقات، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، ج ۱، ص ۳۱۰.
- ۴- همان منبع ص ۳۱۰.
- ۵- جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۸ تا ۱۰.
- ۶- علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۸.
- ۷- همان منبع، ج ۱۲، ص ۸.
- ۸- دکتر اصغر منتظرالقائم، تاریخ صدر اسلام، ص ۹۱.
- ۹- تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۵۰۶.
- ۱۰- طبقات، ج ۱، ص ۲۱۰.
- ۱۱- معراج، آیت ... شهید دستغیب، ص ۶۰.
- ۱۲- محسن قرائتی، تفسیر سوره اسراء، ص ۱۲ تا ۱۵.
- ۱۳- استاد جعفر سبحانی، فروع ابديت، ج ۱، ص ۲۰۶.
- ۱۴- علامه مجلسی، حیوه القلوب، ج ۳، ص ۲۴۳.
- ۱۵- ملا فتحا... کاشانی، تفسیر کسر منهج الصادقین، ج ۵، ص ۲۵۲-۲۵۳.

رسول خدا (ص) جوادئی را که در میان مکه و بیت المقدس رخ داده بود بازگو نمود و گفت در میان راه به کاروان فلان قبیله برخورد و شتری از آنها گم شده بود. قریش گفتند: از کاروان قریش خبر ده، گفت آنها را در تنعیم (ابتدای حرم است) دیدم و شتر خاکستری رنگی در پیشاپیش آنها حرکت می‌کرد، و کجاوهای روی آن گذارده بودند و اکنون وارد شهر مکه می‌شوند، قریش از این خبرهای قطعی سخت عصبانی شدند، گفتند اکنون صدق و کذب گفتار او برای ما معلوم می‌شود، ولی چیزی نگذشت طلوعه کاروان ابوسفیان پدیدار شد و مسافرین جزئیات گزارش‌های آن حضرت را نقل نمودند.

چون از کاروان علاماتی که حضرت فرموده مشاهده کردند، گفتند والله که ما مانند این ندیدیم و نشنیدیم «ان هذا الاسحر مبین» این سحر روشن است «به جهت فرط جهالت و غوایت قریش بود که حقتعالی اول فرمود که من محمد را به مسجد اقصی بردم و نگفت که به آسمان بردم، چه اگر در اول بار چنین گفتمی تعجب ایشان بیشتر بودی و در تکذیب بیشتر مبالغه کردندی پس او گفت در این سوره که او را به مسجد اقصی بردم و چون به امارت و علامات مذکور تجویز آن کردند، حدیث معراج و بردن او را به آسمان و به عرش نزدیک گردانیدن او را در سوره النجم بیان فرموده فی قوله «فکان قاب قوسین أو أدنی»<sup>(۱۵)</sup>

ادامه دارد